

گفتار یوسف همدان دربارهٔ صبر

یوسف همدان، امام روزگار
صاحب اسرار جهان، بینای کار
گفت چندانیکه از بالا و پست
دیده و می‌بنگرد در هرچ هست
هست یک یک ذره یعقوب دگر
یوسف گم کرده می‌پرسد خبر
درد باید در ره او انتظار
تا درین هر دو برآید روزگار
ور درین هر دو نیابی کار باز
سر مکش زنده از این اسرار باز
در طلب صبری بباید مرد را
صبر خود کی باشد اهل درد را
صبر کن گر خواهی و گر نه، بسی
بوک جایی راه یابی از کسی
هچو آن طفلی که باشد در شکم
هم چنان با خود نشین با خود به هم
از درون خود مشو بیرون دمی
نانت اگر باید همی خور خون دمی
قوت آن طفل شکم خونست بس
وین همه سودا ز بیرونست بس
خون خورو در صبر بنشین مردوار
تا برآید کار تو از دست کار